

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالغیفریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۶۴۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۶ مهر ۱۳۹۱، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

سرمد عبدالغیفریان

گفتگو با محمد آسنگران در ارتباط با طومار ۲۰ هزار امضا



یکی از تشکل های کارگری به اسم اتحادیه آزاد کارگران ایران همان موقع استارتش را زد. در آن موقع بحث مراسم های مختلفی بود، بحث اینکه تشکل های کارگری و فعالین کارگری با هم کاری نکنند

صفحه ۲

محمد آسنگران: اولاً اجازه بدهید هم به شما و هم به بینندگان برنامه تان سلام عرض کنم. مرسی از اینکه این امکان را فراهم کردید که وارد چنین بحثی بشویم. تا آنجای که به خود این طومار بر می گردد این ادامه مجموعه فعالیتهای قبلی علیه دستمزد های زیر خط فقری است که به جامعه تحمیل شده است. این اقدامی در دفاع از معیشت و زندگی کارگران و همه مردم زحمتکش جامعه است. ایده این حرکت تا جایی که من در جریان هستم اول ماه مه مطرح شد. بعنوان يك پروژه ای که

نسان نودینیان: گزارش جمع آوری این طومار که تعداد امضا ها به بیست هزار رسیده است منتشر شده است. این طومار با عکس العمل و انعکاس وسیعی در رسانه های داخل و خارج از کشور با عکس العمل وسیعی روبرو شده است. جایگاه این طومار از چه تاریخی شکل گرفته و استارت جمع آوری امضا زده شد؟ چه خلایق را پر میکند؟ به کدام نیاز معین جواب میدهد؟ گسترده شدن امضاها در گرو کدام اقدامات است؟



نسان نودینیان

وضعیت کودکان کار در نظام جمهوری اسلامی!

همایش روز جهانی کودک هر سال در روزهای ۱۶ مهرماه بعد در شهرهای ایران برگزار میشود. در سنج و تعدادی از شهرهای کردستان نیز امسال مراسمهای با شکوهی برگزار شد. موج شادی و خنده کودکان در میان حمایت مردم فضای گرم و صمیمانه را به خیابانها آورد.

همزمان با مراسمهای روز جهانی کودک، همایش هایی در ارتباط با کودکان کار برگزار میشود. در این همایش ها از جنایت سازمان یافته دولت و سرمایه داران و استثمار کودکان که بجای مدرسه و تحصیل و کسب دانش و ارتقا خلاقیت های فردی راهی بازار کار (جهنم استثمار کودکان) میشوند، پرده بر میدارند.

در نظام جمهوری اسلامی کودک ستیزی و ستم بر کودکان در اشکال مختلف در شکل قانونی اعمال میشود. خارج از بار سنگین فقر و فلاکت و ناتوانی تامین زندگی خانواده های کودکان و ایجاد محیط مناسب برای ادامه تحصیل، در مورد کودکان دختر حجاب اجباری، جدایی جنسیتی و ازدواج های پایین تر از سن قانونی، بر ابعاد فاجعه آمیز ستم بر کودکان افزوده است. ستم بر کودکان در ایران تحت حاکمیت نظام اسلامی سرمایه در شکل عبریان ستمکشی در جریان است. هر روز بر تعداد کودکانی که از محیط مدرسه به میدانهای کار و مراکز کار روانه میشوند، افزوده میشود.

صفحه ۲

اعتراض قدرتمند کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان به پیروزی رسید کارگران پرچم خواست های جامعه را بلند کردند



کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان بدنبال يك هفته اعتراض پرشور پیروز شدند. دوشنبه ۲۴ مهرماه در برنامه ۸ و ۳۰ دقیقه تلویزیون سراسری ایران خبر پرداخت حقوق معوقه کارگران بازنشسته و اختصاص بودجه لازم برای پرداخت بموقع حقوق این کارگران اعلام گردید. در برنامه تلویزیون محلی اصفهان در ساعت

صفحه ۶

زندگی نامه من (بخش سی و ششم) / سهیلا شریفی

صفحه ۷

درباره ترور ملالی یوسف زی ۱۴ ساله توسط طالبان در پاکستان

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ گفتگو با محمد آسنگران ...

افزایش است و غیر قابل مهار شده است.

تورم وحشتناک است. لحظه به لحظه دارد افزایش پیدا می کند و دستمزد کارگر همچنان مانده سر جای خودش. تازه همان موقعی هم که چند درصدی اضافه کرده اند دستمزدها دو سه برابر زیر خط فقر بود. یعنی همان موقع بانک مرکزی ایران اعلام کرد که خط فقر چیزی نزدیک به ۱ میلیون تومان است. ابتدا از هشتاد و خورده ای گفتند تا ۹۰۰ هزار و تا ۱ میلیون تومان و دستمزد را کمتر از ۴۰۰ هزار تعیین کردند. به این معنا همان موقع هم دستمزدها دو سه برابر زیر خط فقر بود. ولی همان موقع و همین الان هم میبینیم که با توجه به کم ارزش شدن ریال قدرت خرید برای مردم نمی ماند. در مقابل این روند تحمیل شده به جامعه کارگران آمدند به جمع آوری امضا اقدام کردند. گفتند دیگر ما نمی توانیم ساکت بنشینیم، بلاخره حرکتی راه انداختند اقدامی انجام دادند، تحرکی ایجاد کردند و این تحرک بنظر مهم است. منتها اینکه این حرکت به جایی میرسد یا نه به فاکتورهای متعددی مربوط است.

نسان نودینیان: چرا طومار؟ چرا اعتراضات خیابانی نه؟ چرا تجمع و تظاهرات در مقابل مجلس شورای اسلامی نه؟ سوال اول من این بود این ایده طومار جمع کردن چه نیاز و خلالی را پر میکند؟ در اعتراض کارگر به دولت و به کارفرما و کلا رابطه دستمزدها، بیکاری و کلا به گرانی که الان فی الحال موجود است؟

محمد آسنگران: ببینند ما در ایران با یک موقعیت معینی روبرو هستیم. ایده آلهای خیلی چیزهای خوبی هستند. می توانیم ایده آلهای خوبی داشته باشیم. می توانیم بگویم چرا کار من به اینجا ختم بشود. من انقلاب کارگری می خواهم و سرمایه داری را می خواهم ریشه کن کنم. بقیه کارهای دیگر در چهار چوب اصلاحات در درون جامعه سرمایه داری است. در جواب به این تفکر من میگویم خوب این یک سطح بحث است. احزاب سیاسی معینی می توانند شعارهایشان را بدهند، سازمان بدهند و در این

سالهای قبل را ندارد بخاطر اینکه ارزش خود ریال پایین آمده است. همچنانکه گفتم مردم دارند دستمزد را به ریال دریافت می کنند و اجناس را به دلار می خردند و به این معنا فشار غیر قابل تحمل است. بحث این نیست که کارگران مثلاً می توانند اقدام بهتر و یا بدتری بکنند، بلاخره باید یک کاری بکنند.

نسان نودینیان: کارگران در نامه شان نوشته اند «که میانگین دستمزد ما کارگران در سال ۹۱ و ۹۰ فقط ۱۳ درصد افزایش پیدا کرده است»

محمد آسنگران: هر سال معمولاً سر سال یا نزدیک های نوروز وقتی سال تازه شروع میشود معمولاً دولت و تشکل های کارگری دولتی می نشینند و همراه با کارفرماها حداقل دستمزد را تعیین میکنند. بنابراین طرفهای درگیر در این مورد یک طرف دولت یک طرف کارفرما و یک طرف تشکل های دولتی هستند. اینها می نشینند با هم طرحی را پیش می برند مثلاً ۱۳ یا ۱۷ درصد به دستمزدها اضافه می کنند. اما خارج از اینکه کارگران نقشی در تعیین دستمزد خودشان ندارند این نوع تصمیمات برای افزایش دستمزد تعیین کننده هم نیست. زیرا چند برابر همان درصدی که اضافه شده است از فردای آروز تورم بالا می رود و کالاها گرانتر میشوند و کارگران نمیتوانند بگویند دستمزدها اضافه شده است.

یعنی همان درصدی هم که اضافه می کنند روز بعدش چند برابرش را از جیب کارگر در می آورند. اکنون که ارزش ریال آنقدر پایین آمده است که دیگر اصلاً با روزهای قبلی هم قابل مقایسه نیست. حتی در قانون کار خودشان (قانون کار جمهوری اسلامی) در رابطه با مسائل کاری، آنجا یک بندی دارد که میگویند به نسبت تورم باید دستمزد کارگران در نظر گرفته بشود. الان دیگر کسی از آن هم سراغ نمی گیرد. بخاطر اینکه تورم به قول خود دولت و بانک مرکزی و مجلس و عالم و آدم می دانند که تورم لحظه به لحظه در حال

... حالا آنها به هر جایی رسیدند به جای خود، ولی این ایده پیگیری شد و بعنوان یک اقدام معین برای افزایش دستمزد کارگران به نسبت تورمی که در جامعه هست. این در واقع یک حرکت دفاع از معیشت و دفاع از زندگی کارگران و مردم زحمتکش است. از سالها قبل هم به نوعی در اشکال مختلف این نوع اعتراض وجود داشته است. منتها حقیقتش این است که با توجه به مسئله گرانی روز به روز و هر لحظه و بیکاری و عدم تامین حداقل معیشت و قیمت ارز و هزارمشکل دیگر که زندگی غیر قابل تحملی را به جامعه تحمیل کرده است این حرکت را شکل داده است. می خواهم بگویم این یک سنگر بندی در دفاع از زندگی و معیشت است.

همچنانکه گفتم دلایل متعددی برای آغاز این حرکت وجود دارد. کارگران برای دفاع از معیشت خود این اقدام را شروع کردند. این یک سنگر بندی در مقابل تعرض دولت و سرمایه داران است. کارگران دارند میگویند ما خارج از اینکه در جامعه ای زندگی میکنیم که محاصره اقتصادی است و دود آن به چشم ما مردم کم درآمد می رود و شما حاکمان این شرایط را فراهم کرده اید در عین حال دارید طرح یارانه ها را به قول خودتان هدفمند می کنید! ولی درحقیقت سوبسیدها را دارید می زنید. گرانی سر سام آور کاری کرده است که کارگران همان دستمزد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان نشان هم ارزش قبلی را ندارد.

یعنی ۳۰-۴۰-۵۰ درصد ارزش ریال پایین آمده است و این روند همچنان ادامه دارد. به این معنا قدرت خرید کارگر را پایین تر از قبل آورده اید. یعنی کارگر دستمزد را با ریال دریافت می کند و به دلار خرید میکند. همین دستمزد چند برابر زیر خط فقر را هم به موقع پرداخت نمیکنند. تازه همانی هم که تحویل می دهند و بلاخره دستمزدها را پرداخت می کنند برای هزینه یک هفته خانواده کارگری کفاف نمیکند. این در حالی است که خیلی جاها هم پرداخت نمی کنند و بحث دستمزد های معوقه هست. همان هم که پرداخت می کنند ارزش

از صفحه ۱ وضعیت کودکان کار ...



و حمایت میکنید؟ جواب آنها روشن است، ما هر روز این مصائب را با اندام و گوشت و پوست بدنمان، با نداری و فشار کار، فشار روحی و جسمی، با محروم شدنمان از صندلیهای مدرسه، با محروم شدنمان از بازی و تفریح و با گذاشتن سد با پدیده ای بنام فقر و گرانی در راه عدم ارتقا توانایی هایمان و خلافتیهایمان، لمس میکنیم! کیفرخواست ما روشن است، راه چاره ما چیست. آیا این وضعیت ابدی و سرنوشت سالها زندگی ما کودکان کار است. آیا نباید به فریاد ما جواب بدهید!

کودکان کار را باید بیش از این مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد.*

مبتکرین و سازماندهندگان و انسانهایی که تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ملزومات برپایی این همایش و فستیوالها را فراهم میکنند، صمیمانه تشکر میکنم. اما، اهداف همایش و کار و عملی که فعالین عرصه کودکان، فعالین کارگری و جنبش برابری زنان باید به آن عطف توجه داشته باشند، و در یک کلام یک قدم بجلو از آنچه تاکنون بدرست و مسئولانه انجام گرفته، در راستای حل مشکلات کودکان کار انجام دهند چیست؟ کودکان کار حق دارند که از شهروندان جامعه از نهادها و تشکلهای کارگری و اناسندوست بپرسند نتایج این همایشها و فستیوالها چیست؟ کودکان کار را بکدام مسیر هدایت

داشت حتما این کار را می کردند. بحث این است که از امکانات موجود باید حرکت کرد تا بتوانیم به آنجا برسیم و گرنه ایده آلهای خیلی خوب هستند.

نسان نودینیان: بحثی که میشود این است که این طومار در هشت استان جمع شده است، اشکال پراکنده ای بخود گرفته است. این بیست هزار امضا در یکی دو مرکز کارگری نیست. در مراکز مختلف کارگری است که سقف تعداد کارگران احيانا به هزار یا پانصد نفر میرسند. و این نمیتواند قدرت ابراز وجود کارگران را بطور مستقیم خطاب به دولت در راستای ابراز

جهت فعالیت بکنند. ولی در زندگی واقعی کارگر حتی برای انقلاب کارگری از دفاع از زندگی خودش و از این طریق میخواهد پیش برود.

واضح است که مبارزات علیه دستمزدهای پایین پیش می رود. از ابتدای بوجود آمدن جنبش طبقه کارگر تا حالا اساساً بخش عمده این مبارزات همیشه بحث اقتصادی بوده است. برای اینکه زندگی شان بهتر بشود و به این معنا این یکی از اقداماتی است که کارگران در پیش گرفته اند. این که چرا خیابان نروند، اینکه چرا نروند جلوی مجلس یا نروند جلوی اداره کار و ... میگویم اگر قدرتش، تشکلش و امکاناتش بود حتما همین کار را میکردند. اگر توان و تعادل قوای دیگری وجود

از صفحه ۲ گفتگو با محمد آسنگران ...

وجود کارگران را به نمایش بگذارد. در صورتیکه این اعتراض در شکل طومار است، در هشت استان تهیه شده، پراکنده است. کارگران را در انتظار قرار میدهد و نه در موضع تعرض.

محمد آسنگران: میفهمم چی

میگویند. یک عده از مخالفین این را می گویند. بنظر من اولین سوالی که مطرح است این است که این نوع آدمهایی که این حرفها را می زنند اصلا متوجه هستند که موقعیت جنبش کارگری چیست؟ متوجه هستند که اصلا کارگر از چه رنج میبرد و باید چی را جواب بدهد؟ اینها به نظر من نه به کارگر ربطی دارند نه به زندگی واقعی ربط دارند. بخاطر همین است که این حرفها را می زنند. اگر نه اینکه مثلا باید تشکل های سراسری داشت باید به خیابان آمد و اعتصاب راه انداخت ... لعنت بر منکرش، کی گفته نباید این کارها را کرد. در جواب به این دسته از مخالفین باید گفت بفرما این گویی و این میدان. بفرما برو یک تشکل کارگری سراسری درست کن ببینم چگونه درست می کنی.

همان تشکلهای فعالین کارگری هم که وجود دارند همین ها هم تحت فشار هستند، دولت جمهوری اسلامی عملا به طور دو فاکتوسندیکی هفت تپیه و سنیدیکی شرکت واحد اتوبوس رانی را به تعطیل کشانده است. بطور واقعی بی خاصیتشان کرده است. از میدان بیرونشان کرد. اکنون فقط یک سنت و یک تاریخ از شان باقی مانده است. فعالیتی نمیتوانند بکنند. بخاطر اینکه فعالینش را گرفتند! خراجشان کردند زندانشان کردند شکنجه شان کردند و کاری کردند که این تشکلهای عملا کار زیادی از دستشان برنیاید. این یک تعادل قوای معین است. یک تعداد تشکل های دیگر هستند بلاخره دارند کاری می کنند، سری می جنبانند و باید انتظار داشت همین ها هم مورد تعرض قرار بگیرند. جمهوری اسلامی ممکن است در مقابل همین تشکلهای دیگر هم همان کار را بکند. همانطور که حمله کرد به کمیته هماهنگی، نزدیک به

۶۰ نفر از فعالینش را گرفت.

می خواهم بگویم که کسی که از دور و از خارج گوید دارد ایده های خودش را توضیح میدهد و متوجه تعادل قوا نیست بنظر بیشتر به فکر قانع کردن ایدئولوژیک خودش است تا دنیای واقعی و زندگی کارگران. اینکه تشکل های کارگری در مراکز کارگری زیر سقف های واحدی بتوانند متشکل بشوند، کاری بکنند، هر کسی که توانش دارد و سرش به تنش می آرد مشغول این کار است. اینکه تا الان به کجا رسیده، خوب من میگویم این داستان دیگری است. کسانی که نقش مبصر بازی میکنند و از این حرفها را می زنند هیچ جا نیستند. نه آنجای که همین حد اقل سازمان داده میشود و نه آنجای که حد اکثرها مطرح هستند اینها هیچ جا نیستند. من خطاب به این دسته از مخالفین میگویم وقتی وجود خارجی ندارید، جا پات جایی معلوم نیست، فقط ادعای ایدئولوژیک می کنید، بیشتر از اینکه راه حل باشید مانع هستید. آدمهای اینجوری سازمانهای اینجوری تشکل های اینجوری بطور واقعی پرتند از قضیه، خارج از گودند، اینها را باید به حال خودشان گذاشت که او را ایدئولوژیک نوع خودشان را تکرار بکنند. بر عکس تصور ذهنی این دسته از مخالفین در دنیای واقعی بنظر من این حرکت اخیر کارگران یک نقطه عطف در جنبش کارگری بود. برخلاف این تصویر تقلیل گرایانه که می خواهند کش کنند و اهمیتش را پایین بیاورند یک نقطه عطف مهم بود در تاریخ جنبش کارگری ایران در چنین شرایطی که حاکمان قهار جامعه را میخواهند به استیصال بکشانند این کم سابقه بوده است.

نسان نودینیان: این نقطه قدرت ها چی هستند؟

محمد آسنگران: بنظر من اولین

نقطه قدرتش این است که یک تعداد از فعالین کارگری رادیکال، ماکزیمالیست، منتقد جامعه سرمایه داری، از موضع چپ و از موضع کارگری آمدند می گویند به این سطح زندگی ما اعتراض داریم.

در دفاع از معیشتان اقدامی شروع کردیم بیاید حمایت کنید و اولین تاثیر اقدامشان این بود که وقتی امضاها به ۲۰ هزار رسید، جامعه را متوجه کارگر کرد. مهم است تا دیروز همین رسانه های موجود، آنهایی که در دست دولت بودند، جریانات راست بودند، متأسفانه چپ هنوز از رسانه قوی برخوردار نیست ولی تمام این رسانه ها در خدمت چیز دیگری بودند، کارگر کمتر جای در این رسانه ها داشت و معلوم بود. الان کارگر از موضع صاحب جامعه آمده فراخوان میدهد، میگویند ما این امضاها را جمع کردیم، می خواهیم این سطح دستمزد را بالا ببریم، قبول نمی کنیم، باید کاری کرد، کارگران را فراخوان میدهند، جامعه را فراخوان میدهند، نقطه قدرت اصلی این حرکت این است که این بار بعنوان صاحب اصلی جامعه یک تعداد فعال کارگری جلو آمده اند. اینکه چقدر قدرتشان می رسد این را تحمیل کنند به دولت، مثل هر مبارزه دیگری، اعتصابی را یک جای شروع میکنند تلاش میکنند پیروز بشود. مثلا برای نمونه می گویم شرکت واحد یک اعتراضی را شروع کرد. آمدند خیابان تظاهرات کردند، همان خیابان آمدنی که بعضیها فکر میکنند تنها راه این است! جمهوری اسلامی هزار و خرده ای را دستگیر کرد. تعدادی را برد و اخراجشان کرد. رهبران و فعالینشان را طولانی مدت زندانی کرد. اسانلو را الان می بینید دیگر سکوت کرده. اسانلو که حرفهایش موقعیت و موضعش به احتمال زیاد همانست که بود. ولی او را وادار کردند که سکوت کند. چرا؟ بخاطر اینکه دهنش را دوختند، تحت فشارش گذاشتند، مورد تهدید و زندان و شکنجه قرارش دادند و آن کاری که نباید میشد به سرش آوردند. همان بلائی که نمیبایست سرش آوردند! الان میبینید که ساکتش کردند. کسی که اینها را نمی بیند و یا می بیند و نمیفهمد در دنیای دیگری زندگی میکند.

نسان نودینیان: در ادامه به

جایگاه ویژه تراجتماعی و تاثیرات این اعتراضات در شرایط کنونی که گرانی بیداد میکند مردم از دست گرانی به تنگ آمده اند. ما هر روز

صدای نفرت و اعتراض آنها را میشنویم. در حالیکه حقوق یک کارگر یک سوم یک سکه آزادی است. به ابعاد گرانی برمیگردیم. اما انتشار طومار با عکس العمل خانه کارگرها و کانون های شورای اسلامی روبرو شد. از جمله "هادی ابوی" سخنگوی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران وابسته به دولت گفته است: «از جامعه کارگری انتظار داریم که هر گونه مطالبه و خواست را تنها از کانال نمایندگان خود در تشکلهای صنفی کارگری شوراهای اسلامی کار و مجمع عالی نمایندگان در استانهای مربوطه پیگیری کنند تا اینکه به برخی جریانهای خاص متکی شوند." معنی این عکس العمل چیست؟ این مهم است.

محمد آسنگران: دقیقا من هم

فکر می کنم مهم است بخاطر اینکه دولت، تشکل های دولتی و مقامات خانه کارگر و شوراهای اسلامی متوجه شدند که کارگران برای دفاع از زندگی شان دارند اقدامی می کنند به فراخوان یک تشکل مستقل کارگری آمده اند این فراخوانشان را پیش می برند. از بالای سر آنها و در تقابل با آنها در تقابل با همین تشکل های کارگری دولتی که برای سد و مانع ایجاد کردن در مقابل جنبش کارگری درستشان کرده اند، کارگران آمدند به فراخوان دیگری جواب دادند. بنابر این مقامات دولتی تشکلهای دولتی نمی توانند بگویند این فراخوان هیچی نیست. نمیتوانند آنرا نادیده بگیرند. بلاخره ۲۰ هزار کارگر آمده اند طوماری را امضا کرده اند. طبق آخرین خبر ۱۰ هزار امضای دیگر هم در راه است بزودی جمع آوری میشود. تازه خود خانه کارگری ها بخاطر اینکه از قافله جا نمانند رفتند در استان فارس گفتند ما هم همین کار را می کنیم. خوب خیلی ها از جریانات اپوزیسیون چپ سنتی و حاشیه ای متوجه نیستند این فشار کارگر است، فشار همین حرکت است که آنها را به دست و پا انداخته است. مجبورند یک کاری بکنند. این یکی میگوید از طریق تشکل های رسمی دولتی بیائید کاری بکنیم چون ما قانونی هستیم. منظورش این است که آن تشکل های مستقل دیگر قانونی نیستند!

میخواهد کارگران را از زاویه امنیتی بترساند. اتفاقا همین حرکت نشان داد همان تشکلی که از نظر دولت غیر قانونی است عملا رسمیت یافت. چون در اکثریت قریب به اتفاق نشریات و رسانه های دولتی و غیر دولتی و مجاز در ایران، اسم این تشکل آمد. اقدامشان مطرح شد. بحث طومار مطرح شد. مخالفت و موافقت در موردش بیان و منتشر شد. بخشی از مقامات دولتی هم گفتند این کاری قانونی است. در خارج کشور هم به همین نسبت. این اولین نتیجه ای است که به نفع کارگران تمام شد. به نفع کل جنبش کارگری تمام شد نه یک تشکل معین، این است که میگویم یک قدم کل جنبش کارگری را جلو برد.

نسان نودینیان: این یک قدم رویجلو در شکل ملموس یعنی چه؟

محمد آسنگران: به شکل ملموس اولین مسئله یعنی اینکه بلاخره جامعه متوجه شد تشکل های کارگری مستقل از دولت هستند که دارند در دفاع از معیشتشان فراخوان می دهند به جامعه و دو فاکتو این تشکل خود را به دولت تحمیل کرد و این میدانی برای فعالیت همه تشکلهای کارگری مستقل از دولت باز میکند.

نسان نودینیان: موضع احزاب

اپوزیسیون در خارج از کشور احزابی که چپ هستند طرفدار کارگر هم هستند در قدم اول میگویند این اقدام خوبی است. و سپس نقدهایشان را شروع میکنند. مساله این است این اقدام خوب است کلی است. کجای اینکار خوب است! آیا این اندازه خوب است که میتونه رو افکار عمومی جامعه تاثیر بگذارد؟ آیا این اندازه خوب است که مقامات و سخنگویان جمهوری اسلامی را به حرف میاورد؟ و بگویند امضا جمع کردن قانونی است (محبوب رئیس خانه کارگر این را گفته است) مشخص است که این اقدام خوب در جامعه گسترش پیدا میکند. این یک مبارزه است علیه فقر، علیه گرانی و برای افزایش دستمزدها.

از صفحه ۳ گفتگو با محمد آسگران ...

محمد آسگران: دقیقا تمام مشکل این نوع چپ این است که پاش روی زمین نیست، بیشتر اوراد ایدئولوژیک خودشان برایشان مهم است تا نانی به سفره کارگر اضافه بشود. من نوشته یکی از اینها را دیدم، خودش را فعال کارگری هم معرفی کرده است، گفته است "حتی ممکن است فردا بیایند چند درصد به دستمزد کارگران اضافه کنند، این بدردی هیچی نمیخورد این تغییری جدی در زندگی کارگر ایجاد نمیکند".... اینجا است که میگویی این دسته از "چپها" بی ربط به زندگی واقعی و موقعیت کارگر در آن جامعه هستند. من کارگر بلاخره برایم مهم است فردا ۱۰ درصد، ۲۰ درصد، ۵۰ درصد، هر درصدی که ممکن است به دستمزدم اضافه بشود. به این معنا نانی به سفره ام اضافه شده است. برای تو (این نوع چپ) مهم نیست تو شکم سیری مشکل دیگه ای نداری، من همین امروز توی همین جامعه احتیاج دارم شب که میرم خانه خانواده ام نان روی سفره اش باشد. تو برایت مهم نیست، تو فکر می کنی چون هنوز رابطه پایه ای کار و سرمایه تغییر نکرده است و از نظر تو چون هنوز "سوسیالیسم" برقرار نشده پس مهم نیست و به درد نمیخورد.... من در جواب این دسته از افراد میگویی لطفا برو کنار مزاحم ما نشو ما درد خود و راه مداوای آنرا بلد هستیم. بیربطی این نوع سوسیالیسم و افراد و سازمانها فکر نکنم احتیاج به بحث زیادی داشته باشد. می گم بابا پرتی برو زندگی ات را بکن.

نسان نودینیان: کدام راه حل‌های کارساز و موثری میتواند این جنبش که علیه گرانی است را هدایت کند؟ و طبقه کارگر میرود که خودش را برای قراردادهای جدید و تعیین میزان دستمزدها آماده کند. به نظر شما جمع آوری این امضاها کدام زمینه‌های مناسب را در این رابطه فراهم خواهد کرد؟

محمد آسگران: من فکر می کنم اولین کاری که الان میشه کرد نباید فقط به ایده آنها فکر کرد، در مورد ایده آنها هر کسی که فکر

میکند کار مهمتری میشه کرد برود انجام بدهد. نه ما و نه کارگران کسی جلو دست اینها را نگرفته است. بروند آن چیزی که درست میدانند انجام بدهند. منتها داستان ما این است که الان باید این کمپین را تقویت کرد. برای اینکه بطور مشخص بدانیم چگونه از نقطه آ به نقطه ب میرویم اول باید همین کمپینی که راه افتاده را تقویت کرد. حمایت کردن، در موردش نوشتن، اظهار نظر کردن، جایگاهش را نشان دادن، تعداد بیشتری امضا جمع کردن و در عین حال این امکان را فراهم کردن که از این حرکت به نفع متشکل شدن باید استفاده کرد. ایجاد شبکه‌های کارگری قدرتمند تر شدن صف کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان و... اقداماتی است که میتواند پیگیری شود. تعداد زیادی از مراکز کارگری بوسیله فعالین کارگری میتوانند با هم وصل بشوند. با هم مشورت کنند. با هم تصمیم بگیرند. الان مثلا ده هزار امضا دوم در هشت استان جمع آوری شده است. از هر استانی اگر ده تا فعال کارگری با بقیه فعالین در استانهای دیگر آشنا بشوند و ارتباطی با هم وصل کنند، یک شبکه وسیع کارگری بوجود می آید میتواند تلاش کنند راههای عملی کردن و فشار آوردن بیشتر به دولت را تصمیم بگیرند که ناچار بشود به خواست کارگران تن بدهد این قدم مهمی است و باید اینرا بررسی کرد. اما بطور مشخص خود این کمپین را آشکارا و با صراحت باید مورد حمایت قرار داد. متاسفانه تشکل های کارگری فعلا موجود در ایران تا کنون چیزی نگفته اند. معلوم نیست چرا؟ مطمئنم که اگر ازشان سوال کنید میگویند کار خوبیست. اما یک نکته دیگر در مورد جریانات چپی که مخالفند بگویم. خوب کسانی که با کلیت این حرکت مخالفند از موضوع خارج هستند. اما آنهایی که حمایت می کنند و می گویند این کار خوبیست ولی این مبارزه چیزی را تغییر نمیدهد. این "ولی" استدلالهایی را به دنبال می آورد که نوع مخالفت آنها را بیشتر نشان میدهد. من میگویی تا همین حالا این

مبارزات چیزی را تغییر داده است. اینها متوجه نیستند و یا نمیخواهند بپذیرند. اولین چیزی که تغییر داده یک درجه تعادل قوا را برفع کارگر چرخانده است. فشار کارگر را دولت احساس می کند. بخشی از مقامات دولتی، خانه کارگر و تشکل هایش ناچار شدند از این حرکت حرف بزنند. حتی تعدادی نتوانستند مخالفت کنند بلکه حمایت هم کردند. این اولین دستاوردش بوده تا همین امروز. یک مسئله دیگه ای هم هست، کارگرانی که بنظر من نه الزاما مثل فعال کارگری که شب و روز می دوند از این نوع کارها سازمان می دهند، حتی آن کارگری که در مرکز معینی کار میکند و از کسی دستمزدش رنج میبرد و در این حرکت شرکت کرده است متوجه شده است که کارگر می تواند کاری بکند. می تواند کار کننده تری هم بکند. می تواند فردا بیاید تو خیابان، همین ها می توانند فعالین کارگری مراکز مختلفی که آمده اند امضایشان را پای این طومار گذاشته اند، فردا با هم هماهنگ کار کنند و اقدامات دیگری را در دستور قرار دهند. اگر در چهار مرکز کارگری در حمایت از این حرکت دست به اقدامات و التیماتومیهای بزنند و بلاخره سازمان بدهند و یک روزی بتوانند تعادلی را ایجاد کنند، فضائی را ایجاد کنند که بیایند تو خیابان، دولت ناچار خواهد شد به کارگران جواب بدهد. می خواهم بگویم قدم اول تقویت همین حرکت پیش شرط حرکت های بعدی است برای اینکه توازن قوا را بیشتر به نفع کارگران تغییر دهد.

نسان نودینیان: به نظر من هم باید امضاها را بیشتر از این بیست هزار بکنند. شما به نکته مهمی اشاره کردید، تشکیل شبکه های طبیعی رهبران و فعالین کارگری. که نفس این نزدیکی میتواند این جنبش را صاحب یک هویت سازمان یافته بکند. و از همین کاتال میتوان به مجمع عمومی متکی شود. و با این ظرفیت میتواند خودش را برای اقدامات بعدی آماده کند.

محمد آسگران: همین تشکلی که این کمپین را هدایت میکند

میتواند در دیگر مراکز هم تشکیل شود. و شعبه های دیگری ایجاد گردد.

نسان نودینیان: دقیقا و اگر این امضاها از این تعداد بیشتر بشود و به ارقامی در حدود صدهزاری برسد و شبکه های طبیعی در دل این اقدام شکل بگیرد خود نیز موفقیت بزرگی برای طبقه کارگر است و از یک زاویه دیگر با انتشار طومار و انعکاس وسیع این امضاها در میدیا و رسانه ها این نظر را پیش میکشد که جامعه ایران در آستانه انتخابات رئیس جمهور است. و ادامه اینکه به این دلیل این امضاها به این شکل منعکس شده است که توسط جناحهای مختلف درون حاکمیت به نفع خودشان استفاده ببرند.

محمد آسگران: اول ما نمی توانیم جلوی جناح های جمهوری اسلامی را بگیریم و بگوئیم با هم رقابت نکنید. رقابت خودشان را دارند. ما داریم کار خودمان را می کنیم. برای مثال کارگر یا فعال کارگری در این جامعه دارد کار خودش را می کند، خواسته ها و جنبش خودش را دارد. اینکه کی چه جوری در مقابل آن یکی جناح از این کار استفاده می کند به هر حال بنظر من مسئله ثانوی تری است. اصل قضیه این است کارگران باید به این بچسبند، حرکت مستقل خودشان را ادامه بدهند. در تقابل با سیاستی که خانه کارگر دارد شورای اسلامی دارد و انجمن های صنفی دارند اینها می گویند ما تشکل های مستقلی هستیم شما هم حمایت می کنید خیلی خوست. می توانید حمایت کنید. من بدم نمایم بیایند حمایت کنند. چرا باید بدم بیاید. ولی اینکه بخواهند یک جای دست اندازی کنند بخواهند سایه بندازند روی حقانیت این حرکت و بخواهند ببرند زیر چتر قانونی ای آنطور که خودشان می میخواهند، اینجاست که فعالین کارگری باید هوشیارانه رفتار کنند. و بنظر من تا حالا هوشیارانه اقدام کرده اند. من هیچ جای نمی بینم یا لاقط من متوجه نشده ام که سوتی داده باشند. و یا توهمی بوجود آمده باشد یا کمبودی احساس کنم. من از این بابت راستش را بخواهید مشکلی ندارم، احساس خطری را هم نمی

کنم. نگرانی و کمبودی اگر هست این است که همین فعالین رادیکال، همین تشکل های رادیکال که تشکل های چپی هم هستند سکوت کرده اند. من میگویی این میدان آزمایش مهمی است، اگر واقعا در بیان این قضیه که همه مدافع اتحاد کارگران هستند، صداقتی وجود دارد، باید رفت و این حرکت را تقویت کرد و مال خود کرد. حتی اگر نمی روند پشتیبانی کنند از فلان تشکل به هر بهانه ای، بروند در محل خود شروع کنند بعنوان یک تشکل کارگری، به عنوان فعال کارگری، بعنوان یک انسان آزادیخواه و مخالف فقر و فلاکت در آن جامعه در دفاع از این تومار اقدامی بکنند و علیه فقر و فلاکتی که تحمیل شده به جامعه یک سنگری درست کنند. یک جای یک خاکریزی را فتح کنند، حرکتی انجام بدهند، حرفی بزنند، با سکوت نمی توان حقانیتی را برای کسی قائل شد.

مثلا من شنیده ام از داخل ایران بعضی فعالین کارگری گفته اند از اول این اقدام هماهنگ نشد. باید هماهنگ میشد که بطور مشترک کاری بکنیم. می گویم هماهنگ شده و نشده بحث دیگری است اکنون حی و حاضر اقدامی صورت گرفته است، دولت در موردش حرف می زند، مقامات دولتی حرف می زنند، مقامات خانه کارگر و شورای اسلامی و... حرف می زنند، رسانه های داخلی عمدتا رسانه های کتبی این را منتشر کرده اند، سایت های اینترنتی منتشر کرده اند، شما بلاخره چه می گوید؟ نمی توانید فقط سکوت کنید، می دانم که نمی توانید مخالفت کنند چون مخالفت کردن برایشان سخت است! مخالفت کردن یعنی ایستادن در مقابل حرکت ۲۰ هزار کارگر، میگویی ۲۰ هزار ولی در مقابل کل جنبش کارگری بنظر من. کسی نمی تواند اینطوری مخالفت کند. آنهایی که در خارج کشور تا کنون مخالفند می گویند این کار خوبه ولی بی نتیجه است. کم اهمیت است، من می گویم عزیز من اگر فکر می کنی کار با اهمیت تری میتوانید انجام بدهید، بفرما برو ببینم می خواهی چیکار بکنید، راه را برو که ببینم چند مرده

از صفحه ۴ گفتگو با محمد آسگران ...

حلاجی، فقط ادعا نکن، کسی که فقط ادعا می کند، بنظر من تو خیالات و فضای ایدئولوژیک خودش زندگی می کند.

نسان نودینیان: از یک زاویه

دیگر، میگویند این نامه ها نوشته شد. از بیست و سی هزار هم بیشتر شد و جمهوری اسلامی جواب نداد و این انتظار و نا امیدي در درون جنبش کارگری را دامن خواهد زد.

محمد آسگران: اگر این ادعا

درست باشد جنبش کارگری صد و پنجاه دویست سال است مبارزه می کند هنوز سرمایه داری سر جای خودش است پس هیچی! پس بیخود کرده اند، بنا بر این حرف این چنینی حرف بیخودی است. بنظر من کسی که فکر می کند کار مهمتری باید کرد آن کار مهمتر را شروع کند. من اگر فعال این حرکت اخیر باشم بعنوان یک فعال کارگری توی این زمینه مدعی هستم که یک قدم برداشته ام نه بیشتر، هنوز کار عجیبی نکرده ام. فقط دارم می گویم این وضعیت زندگی نیست باید یک کاری کرد و کاری که از دست من بر می آید رفته این کار را کرده ام. کسانی که فقط فکر می کنند این جواب نمیدهد، سوال این است چی جواب میدهد؟ لطفا بروید همان کار را انجام بدهید. حتما من هم کمک خواهم کرد. اما اگر کار دیگری از شما مخالفین این حرکت ساخته نیست لطفا مانع کار ما هم نشوید.

قطعا فعال این حرکت پاسخش به این مخالفین این خواهد بود: فکر نکنید شما باید ایده های ذهنی و بی ربط به واقعیات خودتان را به من بدهید و من برایتان اجرا کنم.

داستان این است این افرادی که حرف می زنند بروند انجام بدهند. منتظر نباشند کس دیگری برایشان انجام بدهد. آتوموق که الگوی درستی را نشان دادند مدافعینی هم پیدا میکنند. این تشکل آمد یک الگو نشان داد، نشان داد که می تواند، نفوذ دارد، بر خلاف مخالفینش که فکر می کردند که باید منحل بشود و بدر نمی خورد و خارج از مراکز کارگری است و این به ضرر کارگر است و... همانها اکنون آمده اند

نزدیک شدنشان زمینه بیشتری فراهم شده است.

همین تشکل را می توانند قوی تر کنند همین تشکل را می توانند در مراکز مختلف شعبه هایش را ایجاد کنند. کارگران بیشتری می توانند به این تشکل وصل شوند. اکنون زمینه این فراهم شده است که فعالین کارگری با هم مشورت بیشتری بکنند. فعالین کارگری در مراکز مختلف در استان های مختلف میتوانند در سایه این حرکت شبکه های خود را سازمان بدهند. این شبکه ها میتوانند با همیگر ارتباط گرفته مشورت کنند. راه حل نشان بدهند و قدمهای بعدی را هماهنگ پیش ببرند.

بنظر من نباید منتظر باشند یک ناجی بیاید یک راه حل را برایشان طراحی کند. حقیقتا تا حالا هم منتظر نبوده اند، همین هم ابتکار خودشان بوده است. تا همین جا جامعه را متوجه خودشان کرده اند. معلوم است که آدمهای پخته ای هستند. پیچیدگی اوضاع را میشناسند. مخالفین این حرکت اگر صمیمیتی در پیشرفت جنبش کارگری دارند باید از همین فعالین درخواست کنند راه حل و قدمهای بعدی را به آنها نشان بدهند. اگر کسی بیاید اینجوری راجع به این مسئله باهاشون صحبت کند، می گویم صداقتی تو کارت هست، بسیار خوب میشه حرفت را جدی گرفت.

نسان نودینیان: خارج از کشور

سنتا ستون حمایتی از کارگران بوده است. در شکل آکسیون، تظاهرات و تماس با اتحادیه ها و جلب حمایت از آنها. ما تجربه حمایت و جلب افکار عمومی از مبارزات صنعت نفت را داریم. در همین رابطه در خارج از کشور احزاب سیاسی چکارهایی باید انجام دهند؟

محمد آسگران: من فکر می کنم میشه حرکت های حمایتی را همچنان سازمان داد. اولین اقدامی که با ارزش بود و دیدم کمیته همبستگی با کارگران ایران این نامه اتحاد آزاد کارگران و آن جمعی که این حرکت را پیش می برند و هماهنگ کننده اش هستند را ترجمه کرده بودند. خبرش را منتشر کرده بودند. این نامه را به مجموعه ای از سازمانهای کارگری و اتحادیه های کارگری فرستاده بود و آنها هم جاهای منتشر کرده بودند. این مسئله یکی از اقدامهای خوبی بود که انجام شده است. حالا هم بنظرم باید دست به کار شد این جا و آنجا همان حرکت را در خارج کشور و به افکار عمومی که علاقمند هستند به این عرصه از کار، به آنها معرفی کنیم که بگوئیم چنین اتفاقی در ایران افتاده است. احتیاج به حمایت دارند. بخواهیم از آنها حمایت کنند و بعد هم خود این تشکل که این ابتکار را بخرج داده است (اتحادیه آزاد کارگران ایران) و ۶-۵ نفری که هماهنگ کننده این حرکت هستند را به سازمانهای کارگری باید معرفی کرد. آنها بطور واقعی رهبران لایق آن جامعه هستند. تو عرصه های مختلف اینها آدمهای صاحب فکر، صاحب طرح، صاحب پروژه میتوانند باشند. و باید اینها را لانس کرد. این رسانه ها باید اینها را بعنوان صاحب نظرانی که بتوانند در مورد جنبش کارگری با آنها مشورت کنند، امکانی برایشان فراهم شود و مورد حمایت قرار گیرند و... خوشبختانه تا حالا کسانی بخشی از این کار را کرده اند، ولی باید بیشتر این کار را کرد و در عین حال آکسیون های حمایتی را مهم است که گسترش این فعالیت در خارج با عث دلگرمی فعالین در داخل میشود. مهم است که آنها در داخل ایران بیشتر احساس دلگرمی

و حمایت بکنند. بنا بر این خارج کشور و اقدامات خارج کشور باید نقش حمایتی اش را بیشتر و برجسته نشان بدهد. باید این موضوع را به مسئله بسیاری از سازمانهای کارگری که چنین اتفاقاتی را مورد حمایت قرار میدهند تبدیل کرد.

نسان نودینیان: به نظر من

مساله مهم دیگر حمایت و پشتیبانی تشکلهای موجود در ایران است. ما از این تشکلهای می خواهیم برای حمایت از این اقدام دست بکار شوند. در تاریخ جنبش کارگری در ایران این مساله و حمایتها ثبت خواهد شد. فراخوان من این است فعلا نه از این اقدام حمایت کنند.

محمد آسگران: با تشکر از

شما من هم فکر می کنم فراخوانی که دادی بجاست و فکر می کنم این کار مهمی است. نباید دچار این مشکل شد که کی با کی فاصله و اختلاف دارد. و یا سایه روشنی در مباحث این فعالین درمورد این یا آن موضوع وجود دارند و... مسئله این است که جنبش کارگری مطرح است، مسئله معیشت میلیونها کارگر در ایران مطرح است. و بلاخره باید وارد این میدان شد. حتی ممکن است شکل دیگری را در پیش بگیرند. من نمی گویم حالا الزاما فقط این شکل، هر شکلی که خودشان فکر می کنند درست و عملی است باید دست به کار شد. ولی یک کار اجتماعی نه فقط یک اطلاعیه و یک نامه و اظهار نظر در گوشه ای که تاثیری بر جامعه نداشته باشد، اطلاعیه و اظهار نظر هم خوب است ولی بنظر من باید در جامعه یک حرکت اجتماعی راه انداخت. توجه جامعه را باید جلب کرد. امیدوارم فعالین کارگری و تشکل های موجود هم وارد این عرصه بشوند.*



از صفحه ۱ اعتراض قدرتمند کارگران ...

۹ و نیم سه شنبه شب نیز استاندار اصفهان و مسئول سیاسی امنیتی این استانداری اعلام کردند که بازنشستگان ذوب آهن اصفهان تحت پوشش "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" قرار میگیرند و وزارت صنعت نیز متعهد شده است که با واگذاری اموال خود بدهی ها و کسری های صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت فولاد را تامین کند تا حقوق آنها بموقع پرداخت شود. طبق گزارشی که به ما رسیده است پول به این صندوق اریز شده و از ساعت ۶ عصر چهارشنبه کارگران میتوانند آنرا برداشت کنند. کارگران با خوشحالی این پیروزی را به یکدیگر تبریک گفتند و طی بیانیه ای خواستهای فوری خود را اعلام داشتند. این موفقیت حاصل اتحاد و همبستگی کارگران بازنشسته و پافشاری و عزم راسخ آنها در مبارزه برای گرفتن حقوقشان میباشد. در بیانیه کارگران

بازنشسته ذوب آهن اصفهان بر چند خواست فوری و مهم از جمله حق بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، تحصیل رایگان در همه سطوح، افزایش فوری دستمزدها، افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم و پرداخت بموقع طلب کارگران تاکید شده است. کارگران در ادامه مبارزات خود اعلام کردند که هر هفته روزهای یکشنبه و سه شنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در مقابل دفتر بازنشستگی در خیابان نشاط جمع خواهند شد و خواستهای خود را پیگیری خواهند کرد. یکشنبه ۳۰ مهر ساعت ۹ صبح اولین تجمع کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان در مقابل اداره بازنشستگی در خیابان نشاط خواهد بود. حزب کمونیست کارگری موفقیت کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان را صمیمانه به آنها و

خانواده هایشان و همه مردم شریفی که به هر شکل از این مبارزه پشتیبانی کردند، تبریک میگویند و قاطعانه از بیانیه کارگران که بر خواست های مهم کل طبقه کارگر و کل جامعه تاکید کرده است، حمایت میکند. این بیانیه گامی مهم در توده ای شدن و سراسری شدن خواست های بحق مردم مانند افزایش حقوق و طب و آموزش و پرورش رایگان است و جا دارد که مورد حمایت کارگران، معلمان و همه مردم در سراسر کشور قرار گیرد و به پرچم مبارزه همه مردم تبدیل شود. زنده باد مبارزه متحدانه و پیگیرانه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان زنده باد همبستگی خانواده ها و مردم اصفهان با بازنشستگان ذوب آهن

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ مهر ۱۳۹۱
۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

متن بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

کارگران، زحمتکشان و بازنشستگان صنعت فولاد ایران

خسته نباشید. پیروزی تان مبارک باد

به همت و تلاش بیوقفه شما در طول این چند سال اکنون توانسته ایم بخشی از مطالبات از دست رفته خود را بدست آوریم. این جز در سایه اتحاد و همبستگی و تشکل کارگری امکان پذیر نبوده است. باشد در آینده بتوانیم با همت بلند و اتحاد شما رنجبران و زحمتکشان به سایر خواستهایمان که به شرح زیر است برسیم:

۱- پرداخت حقوقهای ماهانه و طلبهای معوقه در سرفه

۲- خدمات بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، بخصوص

در ایام کهرت و پیری حق مسلم ما است.

۳- تحصیل رایگان در همه سطوح از جمله در سطح دانشگاه

۴- افزایش فوری دستمزدها و افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم سال

۵- از همه بازنشستگان ذوب آهن میخواهیم که هفته ای دو روز از ساعت ۹ تا ۱۲ در محل دفتر بازنشستگی تجمع کنند تا پیگیری خواستهایشان باشند و از تصمیم گیری های مسئولین مطلع گردند.

در پایان از همبستگی مردم شهر اصفهان و همه رسانه هایی که صدای ما را منعکس کردند، سپاسگزاریم.

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردر باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برحذر دارند! شرم بر دزدهای میلیاردر که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است. پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

لیست جدید برخی از اقلام

لیلا مشیری

تهران ۲۴ مهر ۱۳۹۱

۳۷۰۰ تومان، قند خرد شده پردیس ۷۰۰ گرمی، ۱۹۰۰ شکر ۹۰۰ گرمی ۱۶۵۰، رب گوجه فرنگی یک و یک ۸۰۰ گرمی ۳۳۰۰ تومان.

کت و دامن معمولی زنانه ۵۵۰ هزار تومان، کوتاه کردن موی سر زنانه ۱۲ و برای بچه ۷۵۰۰ هزار تومان.

پودر لباسشویی تاژ ۵۰۰ گرمی ۱۳۶۰، پودر ماشین لباسشویی سفید ۵۰۰ گرمی ۱۰۵۰، مایع ظرفشویی گلی ۱ لیتری ۱۶۲۰، صابون عروس هر قالب ۴۱۰.

لوازم خانگی بلا تکلیف بدلیل افزایش قیمت دلار، اتومبیل مونتاژ داخل برای فروش به روز موجود نیست و گاها کارخانه ها اتومبیلهای تولید شده را تا ۲ برابر قیمت در بازار سیاه بفروش می گذارند. دلار ۳۶۵۰ تومان.

۱۵ دانه تخم مرغ ۴۸۰۰ تومان، ساندویچ همبر معمولی بدون مخلفات ۵۵۰۰ تومان، موز کیلو ۵۰۰۰ هزار تومان، ماست ۱ کیلویی ۳۷۰۰ تومان، ماست کاله ۶۹۰۰، پنیر ليقوان هر کیلو ۱۷۵۰۰ تومان، پنیر دامداران ۴۰۰ گرمی ۳۵۰۰، پنیر پگاه ۴۰۰ گرمی ۳۲۰۰ برنج هاشمی کیلو ۵۴۰۰، برنج طارم هر کیلو ۵۲۰۰، تن ماهی ۴۰۰۰ تومانی در عرض یک هفته به ۵۲۰۰ تومان رسیده و شیر معمولی از ۹۰۰ تومان به ۱۴۰۰ تومان فقط در عرض یک هفته (یعنی بیش از یک و نیم برابر یعنی ۵۵ درصد افزایش قیمت در عرض یک هفته)، بسته تازه ۱۳۵۰۰ ماه قبل ۹۰۰۰ تومان (یعنی یک و نیم برابر) چای فومنتات ۵۰۰ گرمی ۶۷۰۰، ماهی قزل آلا هر کیلو ۱۱۴۰۰، فیله ماهی سالمون ۶۵۰ گرمی ۲۱۴۰۰، ران مرغ یک بسته ۱۳۲۰۰، گوشت گوساله منجمد هر کیلو ۲۲۰۰۰، بال مرغ ۹۰۰ گرمی

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان



زندگی نامه من

(بخش سی و ششم)

مستاجرینی که ما برایش پیدا کرده بودیم خلاص شود. ماجرا از این قرار بود که یکروز یکی از دوستان ما که خودش در شهر دیگری زندگی می کرد به ما زنگ زد و از ما خواهش کرده یکی از آشنایان عراقی که داشت عراق بر می گشت کمک کنیم. "طرف خودش سوئد زندگی می کند و قرار است خوهرش را بیآورد اینجا که پناهنده شود. من خودم بزودی میام آنکارا و کارها را ترتیب می دهم، اما امشب آنها جایی را ندارند" ما می دانستیم که این رفیق ما با خواهر مورد نظر (صنوبر خان) دوست بود و این خانم را هم قبلا در سلیمانیه ملاقات کرده بودیم. با علاقه قول دادیم به آنها عمل کنیم. شب ساعت ۱۰ شب رفتیم ترمینال و اینور و آنور نگاه کردیم که صنوبر را ببینیم. اما خبری از صنوبر نبود و بجای او یک آقای سی و چند ساله و یک دخترخانم جوان و بشدت آرایش کرده به چندین ساک سنگین به طرف ما آمدند و خودشان را معرفی کردند. "من سیروان هستم برادر صنوبر و اینهم خانم من جنور است. خیلی از اینکه زحمت کشیدید و دنبال ما آمدید از شما سپاسگزارم." کاشی به عمل آمد که دوست ما بد فهمیده یا بد حالیش کرده اند و اصلا قرار نیست صنوبر و بچه هایش به ترکیه بیایند. کاک سیروان رفته بوده عراق که زن بگیرد و از آنجائی که هنوز نتوانسته بود برای خانمش ویزا بگیرد، ناچار بود او را در ترکیه بگذارد تا کارهای ویزایش را جابجا کند. جالب اینکه خود این آقا فردای همان شب، صبح زود پرواز داشت و چاره ای نداشت بجز اینکه جنور را پیش ما بگذارد و برود.

جنور دختری جوان و نسبتا زیبا بود. چشمانی درشت و قهوه ای و لبخندی ملیح داشت. از بس که پودر و مواد آرایشی میزد بخودش که اصلا یادم نیست پوستش چه رنگی بود. روحیه ای شاعرانه و بلند پرواز داشت، شعر می گفت و رویا می بافت. تا آنجائی که من به یاد دارم، کوچکترین نقطه مشترکی با همسرش نداشت و حدس می زدم مانند خوبی دیگر از دخترهای جوان،

ازدواج را بعنوان وسیله ای برای خارج شدن از عراق انتخاب کرده بود. بعد از معرفی او برای یو ان و سر و سامان دادن به کارهای اولیه اش، ناچار بودیم برای جنور جایی پیدا کنیم. چون از قرار معلوم کار او آنطور که همسرش فکر می کرد، به آن زودی درست نمی شد و او ناچار بود ماهها در آنکارا بماند. میترا و دو تا دختر دوست داشتنی اش در همان نزدیکیها در یک آپارتمان دو اتاق خوابه زندگی می کردند. میترا تا آن زمان از گرفتن هم خانه ای خودداری کرده بود. نمی خواست برای خودش و بچه هایش در دسر درست کند. شوهرش از کانادا برایش پول می فرستاد و خود او هم منجوق دوزی و کارهای دستی انجام می داد و کرایه خانه را هرطور شده تهیه می کرد. اما وقتی ما به او پیشنهاد کردیم جنور را بعنوان همخانه ای بپذیرد، با کمی شک و تردید قبول کرد. اولاً که جنور تنها بود و کسی را هم در ترکیه نمی شناخت. در نتیجه رفت و آمد و مشکلات زیادی نمی توانست برای او داشته باشد و موقتا آنجا بود و قرار بود بزودی ویزا بگیرد و برود سوئد و بعلاوه پول داشت که پیرداز و مقداری از بار کرایه خانه را سبک کند.

اوائل همه چیز به خوبی و خوشی پیش می رفت. جنور و میترا زبان هم را بلد نبودند و بندرت با هم حرفی می زدند و هرکدام سرشان به کار خودشان گرم بود. جنور که دیگر راه افتاده بود هر روز صبح از خانه می رفت بیرون و می رفت یو ان و سفارت سوئد و غیره که کارهایش را روپراه کند. یا می رفت شهر خرید و فروشگاه گردی. فقط گاه گداری میترا می گفت "کاشکی کسی پیدا میشد به این جنور بگه اینهمه آرایش نکند. من به همسایه ها گفته ام او خواهرزاده ام است و دوست ندارم فکرهای بد در مورد او بکنند" کاک سیروان هم هر روز زنگ میزد و احوال زنش را از ما می پرسید، چطور است؟ چکار می کند؟ با کی رفت و آمد می کند؟ و غیره. روزهای اول از روی ادب و نزاکت سوالات متعدد او را ندیده می گرفتیم و بنحوی از جواب دادن طفره می رفتیم. تا اینکه یکروز ضمن تعریف و تعارفات معمولی به من گفت "سهیلا خان خودت که می دانی من کسی را بجز شما آنجا

ندارم. تو مثل خواهر بزرگتر باید مواظب جنور باشی. او کمی بی تجربه است و ممکن است تشخیص ندهد با چه کسانی رفت و آمد کند و چطور بگردد. تو باید مواظب باشی و اگر به حرف تو گوش نکرد، به من بگو" دیگه خونم از دستش به جوش آمده بود. من اینهمه سال مبارزه کرده بودم و با فرهنگ مردسالار جنگیده بودم که حالا نگهدار ناموس کاک سیروان شوم؟ به او گفتم که من خواهرش نیستم و اگر هم بودم به او نمی گفتم جنور کجا می رود و با کی می گردد. "او دختر بزرگی است و خیلی هم باهوش است و راه و چاه زندگی را خوب یاد گرفته است و اینکه کجا می رود و با کی می گردد هم نه به من مربوط است نه به تو. دیگر هم از من این سوالات را نپرس. شما ناسلامتی یک عمر سوئد زندگی کرده اید. می بایست تا حالا یاد گرفته باشید ابتدائی ترین قوق را برای زنتان به رسمیت بشناسید"

بعد از آن خوشبختانه رابطه اش با ما کمی سرد شد و فقط وقتگاهی که می دانست جنور آنجاست زنگ می زد. بعد از ماهها وقتی هنوز کار جنور درست نشده بود، کاک سیروان دوباره به ترکیه برگشت که او را ببیند و تلاش کند با مراجعه به سفارت سوئد کارش را تسریع بخشد. بعنوان کادو و به پاس زحمات زیادی که برای او و خانمش کشیده بودیم، از سوئد برای علی یک بسته تیغ ریش تراشی آورده بود(نه اشتباه نکنید، ماشین ریش تراشی نبود، فقط تیغهای یکبار مصرف ریش تراشی!) و برای من یک ماشین حساب(لاید) برای اینکه پولهای

فراوانم را جمع و تفریق بزنم). هوا خیلی گرم بود و کاک سیروان به رسم سوئدیاها با شلوارک کوتاه و پیرهن آستین کوتاه می گشت و حرص میترا را که در یک محله مذهبی زندگی می کرد و همسایه ها از او می پرسیدند این کیه که اینطوری می گردد را در آورده بود. وقتی میترا خیلی مودب از او خواسته بود که شلوار بلند بپوشد هم از کوره در رفته بود و برخورد بدی به او کرده بود. میترا از ما خواست با او حرف بزنیم "او یک هفته بیشتر اینجا نمی ماند و من حالا حالاها خدا می داند تا کی اینجا هستم. بزور این خانه را پیدا کرده ام، خودت می دانی به زن و بچه تنها چقدر سخت خانه می دهند. خود من هم وقتی برم کانادا اینجوری می گردم ولی حالا تا وقتی که در این خراب شده زندگی می کنم، مجبورم رعایت این همسایه ها و صاحبخانه را بکنم." وقتی من ملاحظه میترا را به کاک سیروان گفتم، شروع کرد به فحش و بد و بیراه دادن به همه "فارسهای کله خشک که معلوم نیست برای پناهندگی آمده اند یا ... و گفتم هرطوری که دلش بخواهد می گردد، که آنجا سرزمین دمکراسی است و کسی نمی تواند به او بگوید چی بپوشد. می گفت همه فارسها و ترکهها دشمن مردم کرد هستند، البته کاک علی استثناء است و من برای او احترام قائلم" و دنبال بهانه می گردند که ما را اذیت کنند. که ما کردها باید همیشه هوای همدیگر را داشته باشیم و در برابر بیگانگان اتحادمان را حفظ کنیم.

ادامه دارد

صدای انسانیت
تلویزیون کانال جدید
صدای انسانیت
هر شب از ساعت ۲۱:۳۵ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت

Kurd Channel
صدای حق طلایی

مشخصات ماهواره:
هاتبرد ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی
اف ای سی ۵/۴
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
تلفن تماس ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۷

لطفا کیفیت دریافت برنامه را از طریق رایج کارساز ما اطلاع دهید
nctv.tamas@gmail.com

درباره ترور ملالی یوسف زی ۱۴ ساله توسط طالبان در پاکستان



عصر روز ۱۸ مهر (۹ اکتبر) ملالی یوسف زی، دختر دانش آموز چهارده ساله و مدافع شجاع حق تحصیل دختران، هنگام بازگشت از مدرسه در شهر سوات پاکستان، هدف گلوله نیروهای جنایتکار طالبان قرار گرفت و همراه با دو دختر دیگر زخمی شد. ملالی هم اکنون در بیمارستانی در پیشاور پاکستان تحت درمان است. خبر این جنایت در رسانه های بین المللی بازتاب گسترده ای داشت و هزاران پیام همبستگی از سراسر جهان برای او ارسال شد.

ملالی علیرغم سن کم به دلیل دفاعش از حق تحصیل دختران، در سالهای اخیر به چهره ای شناخته شده در افغانستان و در سطح بین المللی

ترور یک دختر ۱۴ ساله توسط جنایتکاران اسلامی بار دیگر هم ماهیت کثیف و جنایتکارانه این نیروی مافوق ارتجاعی، و همچنین وحشت آن از افول خود را به دنیا نشان داد. دوره یکه تازی تروریسم اسلامی مدت هاست بسر آمده و این جریان به سراشیب اضمحلال افتاده است. جمهوری اسلامی ایران که زمانی ستون فقرات و منبع الهام نیروهای اسلامی در کشورهای مختلف بود، مدت هاست با مبارزه گسترده مردم و بویژه زنان، بلرزه در آمده و صدای خرد شدن استخوانهایش در همه جا شنیده میشود. مردم کشورهای اسلام زده در جدالی گسترده و همه روزه علیه دولت ها و احزاب و نیروهای اسلامی هستند و مردم جهان بیش از پیش به ماهیت ضد بشری ارتجاع اسلامی پی برده اند. بشریت مستمند باید علیه این جنایتکاران بپاخیزد و بساط آنها را در پاکستان و افغانستان، در ایران و در همه جا جارو کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مهر ۱۳۹۱
۱۰ اکتبر ۲۰۱۲

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامین و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدرمادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. ششستوی مغزی است. با خواستهای:

- تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر
- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان
- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند
- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس
- از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰
Dixie Rd, Mississauga
L4W2Y1
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NLV۷۴ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷
phone # ۱-۳۶۰-۳۳۲-۵۷۱۱
Masoud Azarnoush
Account number: ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳
wire: ABA routing # ۰۲۶۰۰۹۵۹۳
Nrsswift code: BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!